

بابی‌اعتنایی بازار به فضاسازی ضدانقلاب راهبرد اعتصاب زوری عملیاتی شد

بترسید، ما همه با چوب هستیم!

نمی‌بینند. این بوق‌ها اما در خروجی رسانه‌های معاند به اعتراضات مردمی تعبیر می‌شود. ماهیت پوشالی و اغراق آمیز این تصاویر و تیت‌های بر ساخته شده شاید برای مخاطب داخلی و کسبه متضرر بازار قابل درک باشد، اما در صحنه بین المللی حتما واجد دستاورد هایی برای طراحان وطن فروش آن است.

🔴 شعار و عملی متناقض

تهدید به آتش زدن مغازه‌ها و همزمان سر دادن شعار آزادی تصویر متناقضی از خشونت رادیکالی است که این روزها در خیابان شاهدش هستیم. سر دادن شعار آزادی و اجبار مردم به اعتصاب برای انتشار تصویری اغراق شده از اعتراضات خیابانی این معنی را به افکار عمومی القا می کند که از نظر آشوبگران خیابانی مردم در چهارچوب رفتاری مورد انتظار آنها آزادند و هرکسی خلاف این رویه عمل کند باید مورد هجمه قرار گیرد. از نگاه این طیف اگر کرکره مغازه را پایین نکشید باید شاهد سوختن آن باشید، اگر دست‌تان را روی بوق ماشین نگذارید باید شکست شیشه‌هاش را نظاره کنید. اگر فوتبالیست مشهوری باشید و بعد از گلزنی خوشحالی کنید باید پاسخگوی هزاران توهین اکانتهای فیک فضای مجازی باشید، اگر روحانی باشید باید بی احترامی را تحمل کنید. با این نگاه به آزادی شما حق ندارید در دفاع از جمهوری اسلامی عبارتی به کار ببرید. تنها زمانی دیده می شوید که فحاشی کنید. این تفکر دیکتاتورمآبانه که هر غیر همسویی را شایسته سرکوب می‌داند، داعیه‌دار هرچه باشد منادی آزادی نمی‌تواند باشد. در این نگاه، آزادی تنها در کنار گذاشتن حجاب و بروز رفتارهای ضد هنجاری خلاصه شده و هر تفکری نیز تنها در چهارچوب ضدیت با جمهوری اسلامی آزادی عمل دارد، حتی اگر پرچم تجزیه‌طلبی را علیه ملت ایران بلند کرده باشد.

🔴 **تناقض رفتاری منادیان آزادی؛ یادآور تروریست‌های منافقین**
این نخستین بار نیست که گروهی شعارهای مردم را علیه خودشان به کار گرفته و آن را از معنی تهی می‌کنند. گروهک تروریستی مجاهدین خلق که با ادعای ضد امپریالیستی شکل گرفت و بعد اسلحه خود را علیه مردم، حال خود به نوکر امپریالیسم تبدیل شده و تریبون خود را در اختیار مقامات سعودی و آمریکایی گذاشته است. این رفتار منافقین نشان می‌دهد که آنچه برای آنها موضوعیت دارد رسیدن به مستند قدرت و حکمرانی دیکتاتورمآبانه بر مردم ایران است. در راستای رسیدن به این هدف نیز گاهی ضدیت با امپریالیسم تبدیل به شعار می‌شود، گاهی آزادی و گاهی نه به اعدام. شعارهایی که تنها در دایره منافع منافقین معنی پیدا می‌کند. حال نیز آزادی تبدیل به شعار عده‌ای شده است که هیچ اعتقادی به آن ندارند. شعاری که در عمل ماهیت دیکتاتوری دارد و تاریخ‌مصرف آن نیز تا زمانی است که بتوان آن را علیه مردم ایران به کار گرفت.

سعید آجرو، تحلیلگر مسائل سیاسی در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

اینها با رفتارهای دیکتاتورمآبانه سعی می‌کنند بازار را ببندند

انقلابی است که کاملاً دور از واقعیت و کاریکاتوری است؛ چراکه عملاً اینها با خشونت‌طلبی و رفتارهای دیکتاتورمآبانه سعی می‌کنند بازار را ببندند، درحالی‌که قاطبه بازار ایران چه سنتی چه مدرن ممکن است از شرایط اقتصادی گلایه‌مند باشند اما با این خواسته‌های خشونت‌طلبانه و رادیکال بیرون کشور همراه نیستند. پس یکی از فاز‌های بعد از چلهم مهسا امینی، همین موضوع سه روز ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ در آبان است که اغتشاشات را به بازار کشاندند و دومین موضوع تفتار مصنوعی دادن به این جریانات از خارج کشور است که نمونه‌اش رفتار امانوئل مکرون یا صدراعظم آلمان است. اروپایی‌ها به‌صورت ویژه این اقدامات را در دستورکار خود دارند و دیدار با مسیح علی‌نژاد هم در همین راستا بود. بنابراین اغتشاشات اخیر فازی در بیرون کشور و در سطح سیاسی و دیپلماتیک دارد که امثال مکرون و اروپایی‌ها دارند آن را پیش می‌برند. وقایع اخیر یک سطح داخلی هم دارد که می‌خواهند اعتراضات فرهنگی را به اعتراضات اقتصادی تبدیل کنند، این کار را هم می‌خواهند با بازار انجام بدهند تا عملاً در سیستم اقتصادی کشور اختلال ایجاد کنند. این اقدامات گرچه می‌تواند در شرایط امنیتی کشور اختلال یا ناامنی‌های روانی ایجاد کند اما نهایتاً به دنبال این است که فضا را به اواخر شهریور و اوایل مهر برگردانند. یعنی اساساً اینها نمی‌خواهند این داستان تمام شود و هر بار به شکل جدیدی آن را بازتولید می‌کنند. وقایع امروز حداقل نشان داد که به‌صورت کلی در این امر موفق نبودند چون کسب‌وکار کشور حالت طبیعی خودش را داشت. هرچند جو روانی‌ای که اینها درست می‌کنند، درسطح رسانه و نمادین بازتاب داده می‌شود.

اشاره کردید که غرب و آمریکا می‌خواهند فضا را به التهاب شهریور و مهر امسال برگردانند. علت این مساله به این برنمی‌گردد که الان انتخابات کنگره آمریکا به اتمام رسیده و از سرگیری مذاکرات احتمالی با لا است و می‌خواهند ایران را تحت فشار قرار بدهند تا امتیاز بیشتری در مذاکرات بگیرند؟

بله، همین‌طور است. من فکر می‌کنم مذاکرات درسطح پایین‌تر مطرح است و درسطح کلان اینها گمان‌شان این است که می‌توانند درسطح رسانه و نمادسازی با همین شیوه‌ای که جلوفرقتند، اعتراضات را بازتولید کنند. این هدف اصلی آنهاست. هدف اصلی آنها ایجاد التهاب در ایران است. مثلاً بتوانند جامعه را درحالت جنبشی نگه دارند، التهاب ایجاد کنند و ثبات برقرار نشود. طبیعتاً لای‌هایی علیه ایران شامل سرویس‌ها و سیاسیون مختلف در غرب است که برجام را تارگت می‌کنند و ناکام شدن توافق هسته‌ای را به‌عنوان اهداف خودشان قرار می‌دهند. ولی به‌نظرم یک واقعیت را درنظر نمی‌گیرند و آن واقعیت این است که اروپا گرچه در جنگ اوکراین مقابل روسیه

گروه سیاست
از روز اولی که فوت مهسا امینی به بهانه‌ای برای آغاز اغتشاشات خیابانی تبدیل شد واضح بود که این بهانه قدرت فراگیری زیادی نداشته و احتمالاً موج پردوامی را نیز تشکیل نمی‌دهد. به همین دلیل در کنار شعارهایی تو خالی همچون «زن، زندگی، آزادی» که با هدف دامن زدن به فضای احساسی سر داده می‌شد اقدامات دیگری نیز به اغتشاشات خیابانی پیوست شد. گسترش دادن دامنه آشوب‌ها به سمت اعتراضات معیشتی مهم‌ترین اقدامی بود که از همان ابتدا با کلید واژه اعتصابات سراسری در دستورکار رسانه‌های خارج‌نشین قرار گرفت. در جدیدترین نمونه از فضاسازی‌ها برای بستن کسب‌وکارها و ضربه زدن به چرخه اقتصاد کشور، در چندروز اخیر کمپینی برای اعتصابات سراسری در روزهای ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ آبان به راه افتاده است. این اعتصابات اما هیچ‌وقت آنقدری عینیت نیافته که مردم نیز معنای آن را درک کنند. بازار تهران در مرکز کشور نمونه بارزی از واقعیت شکست‌خورده اعتصابات است، تصاویر بازارهای سایر شهرهای کشور نیز تفاوتی با آنچه در تهران رخ داده است ندارد. استفاده از نرم‌افزار اسنپ و مشاهده تعداد رستوران‌های باز یک ابزار در دسترس و عینی برای سنجش لحظه‌ای میزان اثرگذاری کمپین اعتصابات سراسری است. ابزاری که تصویر واضحی از شکست این کمپین را در دنیای واقعی نشان می‌دهد. اما زمانی که به صفحات رسانه‌های فارسی‌زبان خارج‌نشین رجوع می‌کنید بازنمایی حوادث به نحوی است که انگار کشور در یک تعطیلی مطلق قرار دارد.

🔴 بازنمایی تصویری غلوآمیز از اعتصاب

رفتار غلوآمیز رسانه‌ها در بازنمایی تصاویر آشوب‌های ایران پیش از این با این عبارت که «جمهوری اسلامی در توییت‌ر سقوط کرده است.» دستمایه شوخی کاربران قرار گرفته بود. اگرچه اکثر بازارهای کشور هیچ‌وقت بسته نشدند، اما چرایی تعطیلی مقطعی تعداد معدودی از مغازه را نیز برخی کسبه بازار تهران این‌گونه روایت می‌کنند: «تهدید کردند که اگر نبندیم، مغازه‌ها را آتش می‌زنند.» «بازاریان می‌ترسند که اموال‌شان از بین برود. به همین دلیل ریسک نمی‌کنیم و مغازه را می‌بندیم.» «وضعیت بازار تهران از لحاظ ایمنی خاص است و اگر اتفاقی داخل آن رخ دهد به سرعت به سایر مغازه‌ها نیز سرایت می‌کند به همین علت بازاریان ریسک نمی‌کنند که مغازه‌ها را باز نگه دارند.» این نمایشنامه رادیکال علیه جمهوری اسلامی را می‌توان این‌گونه خلاصه کرد: «شعرا‌های رادیکال، تهدید، فوروارد تصاویر کرکره‌های به زور پایین کشیده شده به ایران اینترنشنال و درنهایت تیت‌ر فعالا باشه؛ اعتصاب سراسری در ایران». این سناریوسازی علیه ایران البته صرفاً محدود به بستن زوری مغازه‌ها نیست. مدل تکراری دیگری از اعتراضات زوری را طی دو ماه اخیر در خیابان‌ها شاهد بوده‌ایم. جایی که معمولاً یک سطل اشغال سوخته باعث انسداد خیابان شده و راننده‌های کلافه که گاهی با تهدید به سنگپرانی ناچار به توقف شده‌اند نیز برای اعتراض به این رفتار خرابکارانه چاره‌ای جز بوق زدن

🔴 گفت‌وگو

سیاست

🔴 پروژه حفظ آشوب‌ها؛ اهرم فشار مذاکرات

امسا همان‌طور که پیش از این هم قابل حدس بود، پروژه اعتصابات سراسری و تلاش همزمان برای روشن نگه داشتن شعله ناآرامی خیابانی، به‌خصوص در سه روز ۲۴، ۲۵ و ۲۶م آبان که تا الان با شکست مواجه شده است یک کارکرد روشن خارجی هم دارد. پروژه‌ای که باوجود تلاش همه‌جانبه رسانه‌های تروریستی فارسی‌زبان برای شکل‌گیری آن در کوچه و خیابان‌های داخل ایران، به‌نظر می‌رسد قرار است در وین نتیجه دهد. گواه آن هم سخنان مقامات اروپایی طی هفته‌های گذشته و همچنین اظهارنظر مداخله‌جویانه روز گذشته رابرت مالی، مذاکره‌کننده ارشد آمریکا در وین است. اظهارنظرهایی به‌ظاهر بشردوستانه که نشان از آن دارد که غربی‌ها چندان بدیشان نمی‌آید ناآرامی‌های خیابانی در ایران ادامه‌دار شود تا درصورت امکان و به‌محض ازسرگیری روند مذاکرات وین بتوانند فشار بیشتری به مذاکره‌کنندگان کشورمان تحمیل کنند تا شاید در نتیجه آن تهران حاضر به دادن امتیازات مطلوب آنها شود. در یک جمله می‌توان از تحولات شکل گرفته طی حدودا دو ماه اخیر و واکنش آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها به این تحولات نتیجه گرفت سه‌طرف اروپایی و طرف آمریکایی حاضر در مذاکرات با ایران، نیم‌نگاهی به فضای پرآشوب کشور دارند تا شاید بتوانند از نمد آن برای خود کلاه‌ی دست و پا کنند. رابرت مالی، نماینده دولت آمریکا در امور ایران با اظهارات روز گذشته خود، به‌طور غیر رسمی از این هدف غرب پرده برداشت. او بعد از مطرح کردن ادعای تکراری واشنگتن درخصوص فروش پیهپاد از سوی ایران به روسیه و همچنین با اظهارنظری مداخله‌جویانه درباره ناآرامی‌های چند روز اخیر در ایران مدعی شد که این موارد باعث شده تمرکز آمریکا از احیای توافق هسته‌ای تغییر کند. نماینده کاخ سفید در امور ایران البته در جمله بعد توضیحی داد که نشان داد واشنگتن همچنان برای مقابله با مولفه‌های قدرت تهران، برنامه‌ای جز زنده نگه داشتن روند مذاکرات ندارد. مالی گفت «آمریکا درها را برای از سرگیری دیپلماسی باز خواهد گذاشت، اما در حال حاضر واشنگتن به سیاست تحریم و فشار علیه ایران ادامه خواهد داد.» او همچنین ادعا کرد: «اگر مذاکرات هسته‌ای انجام نمی‌شود، به خاطر موقعیت ایران و هر اتفاقاتی است که از سبتامبر تاکنون رخ داده است.» مالی البته برای اینکه نشان دهد مقامات آمریکایی هیچ‌وقت عادت خود در به کارگیری ادبیات تهدید را کنار نخواهند گذاشت ادعا کرد: «اگر دیپلماسی شکست بخورد، ایالات متحده آماده است تا از ابزارهای دیگر استفاده کند.»

البته علاوه بر آمریکا، این اتحادیه اروپاییو که با اضافه کردن نام ۲۹ در ۳ و نهاد ایرانی به فهرست تحریم‌های خود پیوستگی ناآرامی‌های داخلی ایران با ابعاد کارزار فشار حداکثری غرب را اثبات کرد. با همه اینها اما، نکته قابل توجه درباره رویکرد غربی‌ها درمواجهه با مذاکرات ورنیز تداوم آن، همچنان همان سیاست «با دست پس‌زدن و با پا پیش کشیدن» است. سیاستی که نتیجه آن در ارسال پیام به مقامات وزارت خارجه کشورمان در پشت صحنه و اظهارنظرهای مداخله‌جویانه علیه مردم ایران در رسانه‌ها است.

جهان چگونه با آشوب برخورد می‌کند؟

آشوبگران علی‌رغم آشکار شدن ماهیت براندازانه و تجزیه‌طلبانه جبهه غربی- عربی که در سخنان و اقدامات جوبایدن رئیس‌جمهور آمریکا، امانوئل مکرون در راستای عملیات این جبهه و با هدایت خارجی، طرح ایجاد اختلال اقتصادی در کشور را کلید زده‌اند. آمریکا پس از آنکه با تهدیدات نظامی و تحریم‌های اقتصادی قادر به پیگیری اهداف خود در ارتباط با ایران نشدو علی‌رغم ضربات وفشارها، نبض اقتصاد کشور آن گونه که واشنگتن می‌خواست متوقف نشد، به دنبال آسیب‌زدن مستقیم به شریان‌های اقتصادی ایران است. آتش‌زدن بانک‌ها در ابتدای اغتشاشات اخیر، اعلام تحریم علیه شرکت‌های تولیدکننده داخلی، تاکید بر اعتصابات و همچنین اجبار مغازه‌داران به تعطیلی کسب‌وکارهایشان و گریزاندن مردم از بازار و محل کارشان نشان می‌دهد غرب به‌دنبال به‌نتیجه‌رساندن هدفی است که تحریم‌ها وجنگ اقتصادی پیشین قادر به انجام آن نشد. چنین اقدامی بی‌شک اعلام جنگی سنگین علیه یک ملت است. اقدامی که هرچند با مقاومت جامعه در طول آشوب‌های اخیر و ازجمله اعتصاب اعلامی دیروز تاکنون به شکست انجامیده اما مامشات با آن می‌تواند منجر به جری شدن عوامل اجرایی آن شود.

بر همین مبنا تلاش شده نمونه‌هایی از برخوردهای صورت گرفته علیه آشوب‌ها و اغتشاشات چند سال اخیر در جهان مورد بررسی قرار گیرد. در برجسته‌ترین نمونه، دولت کانادا که یکی از کشورهای پیشرو در دشمنی با ایران است، دربرابر معترضان و اخلاخلالگرانی که زندگی اقتصادی و رفت‌وآمد مردم را هدف گرفته بودند، سیاستی را درپیش گرفت که منجر به محرومیت آنان از حقوق و امتیازات اجتماعی‌شان شد.

🔴 سرکوب آشوب در کانادا

اوایل سالال جاری میلادی کانادا شاهد یکی از سنگین‌ترین آشوب‌های خود بود. این آشوب‌ها زمانی آغاز شد که دولت کانادا اعلام کرد کامیون‌دارانی که از آمریکا وارد این کشور می‌شوند، باید برای مبارزه علیه کرونا واکسینه شوند.

در روز ۲۲ ژانویه (۲ بهمن ۱۴۰۰) کاروان کامیون‌داران از ایالت بریتیش کلمبیا شروع به حرکت کرد تا به اتاوا پایتخت برسد. این کاروان در ۲۸ ژانویه (۸ بهمن) به اتاوا رسید. اعضای این کاروان تهدید کردند اقتصاد را مختل می‌کنند تا با آسیب به زندگی ساکنان پایتخت، مقامات دولت مرکزی مجبور شوند محدودیت‌های همه‌گیری را لغو کنند. این گروه پس از آنکه در مسیر اعتراضات خود با برخوردی مواجه‌نشندن با روحیه گرفتن سقف‌خواسته‌های خود را به سطح بی‌سابقه‌ای رسانده و خواستار انحلال پارلمان و برکناری نخست‌وزیر شدند.

روز پنجشنبه ۱۷ فوریه ۲۰۲۱ (۲۸ بهمن ۱۴۰۰) صبر دولت کانادا به‌پایان رسید و پلیس دستگیری معترضان را شروع کرد. روز شنبه ۱۹ فوریه (۳۰ بهمن) پلیس اتاوا با دستگیری ۱۷۰ تن و خارج کردن ۲۶ خودرو از مقابل پارلمان، گذرگاه منتهی به این ساختمان را پاسازی کرد؛ هرچند معترضان در نقاط دیگری همچنان درحال فعالیت بودند.

جاستین ترودو نخست‌وزیر کانادا برای مقابله با این اعتراضات تمهیداتی را به‌اجرا درآورد که کم‌سابقه بودند. او برای اولین بار در نیم‌قرن گذشته «وضعیت اضطراری نظم عمومی ملی» را اعلام کرد. نخست‌وزیر کانادا که بنا بر اصطلاحات سیاسی به دلیل سابقه نخست‌وزیری پدرش «پیتر ترودو» در سال‌های ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۹ یک آفراده کانادایی به‌شمار می‌رود، معترضان را یک «اقلیت کوچک در حاشیه توصیف کرد.

بنابر دستور دولت و بانک‌های کانادا ارائه برخی خدمات بانکی به معترضان را قطع کردند. او همچنین بیمه گران‌امجور کرد از ارائه بیمه به خودروهای فعال در راه‌اندان هاخودداری کندو پلترقم‌های تأمین مالی جمعی را تحت نظارت قوانین مرتبط با «تأمین مالی تروریسم» قرار داد.

در جریان این اعتراضات پلیس نیز با پیش اعلامیه‌هایی بین‌راندگان کانادایی به‌شمار داد «مجازات شدید» هشدار داد و «استوبل و رئیس پلیس اتاوا نیز به آنها گفته بود: «اگر می‌خواهید به اختیار خودتان بروید الان وقت رفتن است.»

🔴 اعتراضات کوچک جلیقه‌زدها در فرانسه ۱۰ کشته و ۱۴ مورد کور شدن

دولت فرانسه در سال ۲۰۱۸ قیمت بنزین را افزایش داد و همین مساله موجب شد اقشاری از مردم این کشور که به‌دلیل زندگی در حومه‌شهرهای بزرگ دچار مشکل می‌شدند به‌خیابان‌ها بیایند. این اعتراضات در اوج خود موفق شد ۳۰۰ هزار نفر را به خیابان‌ها بکشاند. با این حال به دلیل اصرار دولت امانوئل مکرون بر افزایش مالیات بر سوخت و سرکوب این گروه، آنها برای تاکید بر خواسته خود روش اختصا شد هر شنبه به اعتراض را برگزیدند تا قادر باشند به تظاهرات خود ادامه دهند. برخورد‌های سنگین دولت فرانسه با این اعتراضات محدود دست کم ۱۰ کشته و ۴ هزار مجروح برجای گذاشت. همچنین استفاده نیروهای امنیتی این کشور از اسلحه با گلوله‌های پلاستیکی موجب کور شدن ۱۴ نفر شد. با این وجود برخی معتقدند تعداد کشته‌های این اعتراضات و همچنین افرادی که آسیب‌هایی جدی دیدند فراتر از آن چیزی است که به‌طور رسمی اعلام شده است.

اقدامات مقابله‌جویانه دولت فرانسه نیز که در بیانیه‌های رسمی دولت این کشور قابل مشاهده است نشان می‌دهد پاریس اقدامات شدیدی علیه این اعتراضات کوچک به‌انجام رسانده که در برهه‌هایی موجب شده تعداد نیروهای امنیتی بیشتر از معترضان باشند. به‌عنوان نمونه ادوارد فیلیپ، نخست‌وزیر وقت فرانسه در روز دوشنبه ۷ ژانویه ۲۰۱۹ (۱۷ دی ۱۳۹۷) در بیانیهای تاکید کرده بود که دولت موضع بسیار سختی علیه ادامه خشونت‌های غیرقابل قبول در سراسر کشور اتخاذ خواهد کرد. در این بیانیه آمده بود؛ برای مقابله با اعتراضات ۸۰ هزار نیروی پلیس ازجمله پنج هزار نیروی پلیس در پاریس مستقر خواهند شد.

🔴 شورش ۲۰۲۰ آمریکا؛ ۱۹ کشته در دو هفته ابتدایی و بازداشت ۱۴ هزار نفر

آمریکا در ۲۶ می ۲۰۲۰ وارد اعتراضات گسترده نسبت به قتل «جورج فلوید» توسط پلیس شد. با گسترش اعتراضات به ایالت‌های بیشتری، قوانین «رفت‌وآمد» در بسیاری از شهرها به اجرا در آمد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، در تویتهای خود به شدت علیه اعتراضات موضع گیری و اعلام کرد خواستار اعزام گارد ملی به شهرهایی است که اعتراضات در آنها جریان دارد. ترامپ همچنین خواستار تیراندازی به غارتگران فروشگاه‌ها شد. رئیس‌جمهور وقت آمریکا از فرماندهان ارتش خواسته بود دست به استقرار در شهرها بزند تا او بتواند اعلام حکومت نظامی کند. نهاد‌های رسمی آمریکا از ارائه آمار کشته‌شدگان خودداری کردند اما سایت فوربس در گزارشی با عنوان «DaysOfProtests, 19Dead 14» (۱۴ روز اعتراض ۱۹ کشته) که به قلم «Jemima McEvoy» در تاریخ ۸ ژوئن ۲۰۲۰ منتشر شد، نوشته بود: «تعداد کشته‌شدگان تظاهرات دو هفته‌ای به‌دلیل مرگ جورج فلوید همچنان رو به افزایش است و حداقل ۱۹ نفر- که اکثریت آنها سیاهپوست هستند- تاکنون کشته شده‌اند.» برخی دیگر از رسانه‌ها نیز تعداد کشته‌شدگان را ۲۹ تن اعلام کردند. با وجود این به‌نظر می‌رسد تعداد کشته‌شدگان بسیار بیشتر از اینها باشد، زیرا آمارهای مزبور به‌دلیل سانسور شدید و پیگرد‌ها به‌سختی تهیه شده بودند و از سوی دیگر اعتراضات برای چندماه دیگر نیز ادامه یافت. گفته می‌شود آمریکا در جریان این اعتراضات دست کم ۱۴ هزار نفر را نیز بازداشت کرد.

🔴 کودتا و التهاب در ترکیه؛ اخراج ۱۰۰ هزار کارمند دولت

فتح‌الله گولن یکی از رهبران فرقه‌ای ترکیه که در آمریکا تحت حفاظت شدید دولت این کشور زندگی می‌کند، در سال ۲۰۱۶ از طریق شبکه گسترده از طرفداران ذی نفوذ خود در دولت، نهاد‌های نظامی و قضائی و همچنین استفاده از پشتوانه حامیان خود در جامعه تلاش کرد علیه دولت قانونی ترکیه دست به کودتا بزند. در پی آن دولت ترکیه با قفلاضله مقابله با این جریان را در دستور کار خود قرار داد به گونه‌ای که تا دو هفته پس از کودتا، ۴۵ روزنامه، ۱ مجله، ۲۳ فرستنده رادیو، ۱۶ فرستنده تلویزیون و ۲۹ بنگاه نشریاتی به طور دائم تعطیل شدند. همچنین دولت ترکیه به مرور با شناسایی افراد طرفدار گولن بدون آنکه تمام آنها اقدامی علیه دولت مرکزی انجام داده باشند، آنها را از مشاغل‌شان اخراج کرد.